

## ویژگی‌های دوست و هم‌نشین مطلوب از دیدگاه قرآن و حدیث

بهمن جوشقانی<sup>۱</sup>

### چکیده

زمینه و هدف: انسان ذاتاً موجودی اجتماعی است و طبیعت او به گونه‌ای است که معمولاً مشتاق داشتن دوست و هم‌نشین است. از طرفی دوست و رفیق می‌تواند نقشی سرنوشت‌ساز در زندگی هر شخص ایفا کند. از این‌رو آشنایی با ویژگی‌های دوست و هم‌نشین شایسته و ملاک قرار دادن این شاخصه‌ها برای انتخاب دوست، می‌تواند ثمرات مثبت در زندگی هر فردی داشته باشد. چه‌بسا دوست خوب، سبب دوری از گناه و عاقبت‌بخیری انسان شود. آیات قرآن کریم و احادیث معصومان (علیهم‌السلام) نقشی بسیار مهم در جهت‌دادن به دوستی‌ها و پرهیز از عواقب ناگوار دنیوی و اخروی آن‌ها بر عهده دارند. هدف از این تحقیق بررسی ویژگی‌های دوست و هم‌نشین مطلوب از منظر آیات و روایات است.

روش تحقیق: روش تحقیق هم کتابخانه‌ای و هم نرم‌افزاری است. در این تحقیق هم از کتاب‌هایی که فهرست آن در منابع ذکر شده است بهره گرفته شد.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: در این مقاله مباحثی همچون اهمیت دوستی، معیارهای انتخاب دوست، حدود و شرایط دوستی، راه‌های شناخت دوست و نیز ویژگی‌های دوست و هم‌نشین مطلوب مطابق با آیات قرآن و احادیث تبیین شده است.

واژه‌های کلیدی: دوست، هم‌نشین مطلوب، اوصاف قرآن، حدیث.

۱. کارشناس ارشد حوزه.

## ۱- مقدمه

زندگی اجتماعی جزء طبیعت و فطرت انسان است و او در این دنیا، گریزی از معاشرت با دیگران ندارد؛ یکی از مصادیق معاشرت، دوستی با دیگران است. اگر این ارتباط و دوستی بر پایه ارزش‌های انسانی بنا شود، منجر به ترقی و تعالی انسان خواهد شد، ولی اگر با دوستی با فردی باشد که با اخلاق نیکو و منش پسندیده بیگانه است، به یقین این دوستی جز خسارت و سقوط در قعر مفساد، ثمره‌ای دیگر نخواهد داشت. یکی از نیازهای اساسی روان انسان، دل‌بستگی و تعلق به گروه‌ها و ارتباط با هم‌نوعان و هم‌سالان خویش است (شریفی، ۱۳۶۴: ۱۶۳). دوست خوب یکی از نعمت‌های بزرگ الهی و پناهگاه انسان و آرامش‌بخش دل و روان است. وجود دوست حقیقی در این جهان پرتلاطم، یکی از نیازهای هر انسانی است. کسی که از نعمت دوست مهربان محروم باشد احساس غربت و تنهایی می‌کند. یکی از بهترین خوشی‌های زندگی رفت‌وآمد و گفت‌وگوهای دوستانه‌ای است که غم را از دل می‌زداید و به انسان نیرو می‌بخشد (امینی، ۱۳۸۱: ۲۴۲). افراد انسانی، در هر مرحله از رشد و تحولات زندگی، محتاج گروه یا فردی هستند که به آن تعلق داشته باشند؛ این گروه در ابتدا خانواده است و سپس مدرسه و دوستان و کمی بعد جامعه و افراد آن. فرد، به وسیله دوستان و افراد جامعه و به وسیله قضاوت آنان، به خصوصیات اخلاقی و استعدادهای خود پی می‌برد و در ارتباط با جامعه، آداب و رسوم اجتماعی را می‌آموزد و هنجارهای اجتماع را کشف می‌کند. دوستی و ارتباطات دوستانه باعث رشد شخصیت و کمال آدمی می‌شود. اگرچه دوستی و رفاقت با دیگران می‌تواند ضررهایی هم برای انسان به وجود آورد به‌ویژه اگر دوستی‌ها افراطی و غیرمتعادل باشند، مثل وابستگی بیش‌ازحد به دوست و تقلید کورکورانه از او، اما فواید و ثمرات دوستی متعادل و سنجیده، به حدی است که ضررهای احتمالی آن قابل قیاس با فواید آن نیست. قرآن کریم ویژگی‌هایی برای دوست برمی‌شمارد که با داشتن آن‌ها، دوستی‌ها نه فقط آسیب نمی‌زنند بلکه می‌توانند انسان را در مسیر رشد و کمال واقعی پیش برند. در این تحقیق به بررسی ویژگی‌های دوست و هم‌نشین مطلوب از منظر قرآن و حدیث می‌پردازیم.

۲- اهمیت دوست و هم‌نشین مطلوب

دوست شایسته یکی از سرمایه‌های بزرگ زندگی و از عوامل خوشبختی و سعادت انسان به‌شمار می‌آید. اگرچه داشتن رفیق خوب و شایسته برای همه طبقات مردم و برای تمام مراحل زندگی لازم است؛ اما برای نسل جوان و نوجوان از اهمیتی بیشتر برخوردار است؛ زیرا جوانانی که در آستانه زندگی اجتماعی قرار دارند، می‌توانند با کمک دوستان آگاه، دلسوز، شایسته و جوانمرد، شخصیت خود را رشد دهند و استعدادهای خویش را به شکوفایی برسانند (پناهی، ۱۳۹۰). حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «سَلَّ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ» (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲: ۴/۱۵۷) «فرزندم! نخست درباره دوست پیرس سپس درباره راه». سقراط، فیلسوف یونانی، می‌گوید: «مردم هر کدام آرزویی دارند؛ یکی مال و ثروت می‌خواهد و دیگری افتخار و مقام؛ اما به عقیده من دوست خوب از تمام این‌ها بهتر است» (کاشفی، ۱۳۷۶: ۱۳۰). انسانی که رفیق و مونس ندارد احساس ضعف می‌کند و شاید نتواند در برابر دشمنان و هجوم آنان به ارزش‌ها و اعتقادات خود، دفاع کند و به خواری گرفتار آید؛ از این رو، قرآن کریم توصیه می‌کند که «ای انسان‌ها و ای مؤمنان! متحد باشید و راه تفرقه در پیش نگیرید و به دوستی و اتحاد روی آورید که رمز عظمت شما در دوستی و اتحاد است» (انفال، ۴۶). این اتحاد و همبستگی در بستر دوستی‌ها و رفاقت‌ها شکل می‌گیرد و شدت می‌یابد. عقل سلیم حکم می‌کند که دوستی با نیکان و افرادی که دارای صفات حمیده هستند، خوب و پسندیده است و دوستی با افرادی که دارای رذایل و انحرافات اخلاقی هستند، ناپسند و مایه سرزنش آدمی است. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره فرموده است: «صَاحِبُ السُّوءِ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۳۱): «دوست بد پاره‌ای از آتش است» و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید: «الرَّجُلُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِلُ» (پاینده، ۱۳۸۶: ۵۰۷) «انسان بر دین دوستش است؛ پس هر یک از شما بنگرد که با چه کسی دوستی می‌کند». امام علی علیه السلام همچنین فرمود: «الصَّاحِبُ كَالرَّقْعَةِ فَاتَّخِذْ مُشَاكِلًا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۲۳)

بزرگی‌های دوست و هم‌نشین مطلوب از دیدگاه قرآن و حدیث



«دوست همانند وصله است؛ پس آن را همانند خود برگزین». بر اساس آنچه از کلام پیشوایان معصوم علیهم السلام بیان شد، انسان باید در انتخاب دوست و یار و رفیق خود با کمال دقت رفتار کند و جانب احتیاط را رعایت کند تا در قیامت ندای «یا ویلتی لیتنی لم أتخذ فلاناً خلیلاً» (فرقان، ۲) «ای کاش فلانی را به دوستی با خویش نمی گرفتم» سر ندهد.

اگر انسان دوست نیک‌صفت و خوش‌اخلاق داشته باشد، از خوبی‌های او پیروی خواهد کرد و اگر رفیق بد نصیبش گردد از بدی‌هایش سرمشق خواهد گرفت. چه بسیاراند جوانان پاک و بی‌گناهی که به وسیلهٔ دوستان فاسد به وادی فساد کشیده شده‌اند و دنیا و آخرتشان تباه گشته است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «انسان بر راه و روش دوست و هم‌نشین خود می‌گیرد» (کلینی، ۱۳۸۳: ۲/۳۷۵).

### ۳- مفهوم دوست و دوستی

«دوستی در لغت به معنای خیرخواهی، رفاقت و یاری رساندن است و مقابله‌ی خصومت و دشمنی است» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۱۲۴۴/۸) و در اصطلاح نیز به همین معنی است. در کتاب المحجّة البیضاء، دوستی چنین تعریف شده است: «دوستی یعنی هم‌نشینی، معاشرت و گفت‌وگوی انسان با افرادی که به آن‌ها علاقه و محبت دارد؛ زیرا با غیر دوست معمولاً کسی قصد معاشرت ندارد. این دوستی و ارادت و محبت یا لذّاته است (به‌خودی‌خود مطلوب است) و یا مجازی و واسطه‌ای است که انسان به وسیلهٔ آن به دوست حقیقی برسد» (فیض کاشانی، ۱۳۷۹).

### ۴- معیارهای انتخاب دوست

دقت در گزینش و داشتن معیارهای صحیح برای انتخاب دوست، امری ضروری است که موجب سلامت فرد و جامعه می‌شود. البته برخی در این موضوع راه افراط در پیش می‌گیرند و به دنبال یافتن دوست بی‌عیب و آرمانی هستند که البته دست نیافتنی است؛ درحالی‌که بهتر است در پی یافتن دوستانی باشیم که نقاط ضعف کمتری دارند. امام صادق علیه السلام در این باره

می فرمایند: «کسی که بخواهد جز با افراد بی‌عیب دوستی و برادری نداشته باشد، دوستانش کم خواهند شد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۷/۲۷۸).

انسان برای اینکه بتواند به زندگی مطلوب برسد باید دوستانی انتخاب کند که معاشرت با آنها انسان را متوجه خدای متعال کند و او را به حق و حقیقت نزدیک سازد. امام صادق علیه السلام از حضرت عیسی مسیح علیه السلام نقل می‌کند که حواریون به ایشان عرض کردند: یا روح الله! با چه کسانی هم‌نشینی و دوستی کنیم؟ آن حضرت در جواب فرمود: با شخصی هم‌نشینی کنید که سه ویژگی داشته باشد:

۱- دیدن او، تو را به یاد خدا بیندازد؛

۲- سخن او، علم تو را بیشتر کند؛

۳- عمل او، تو را به آخرت ترغیب کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۶۷/۳۲۲).

از این رو انتخاب دوست با رعایت سه شرط ذکرشده، ما را به خدا نزدیک و به سوی سعادت هدایت می‌کند.

ویژگی اول دوست خوب آن است که رفتار و عملش بر اساس تقوا و اخلاص باشد، به گونه‌ای که یاد خدا را در وجود انسان زنده نگهدارد.

ویژگی دوم دوست خوب آن است که وقتی با او هم‌صحبت می‌شوید، بر شناخت، معرفت و علم شما بیفزاید و هیچ‌گاه حرف‌های بیهوده به زبان نیاورد. بدین‌روی، با هر کلامی که بر زبان جاری می‌سازد حکمت می‌آموزید و نیازی از نیازهای شما را برآورده می‌کند و بر معلوماتان می‌افزاید.

ویژگی سوم اینکه کردار و عملش به گونه‌ای باشد که شما را به کارهای اخروی ترغیب کند. اگر کسی همواره در فکر آخرت باشد، باعث می‌شود که رفتارش را هم به سوی آخرت و سعادت ابدی جهت دهد. کسی که در ظاهرش تداعی گناه، شرارت و بی‌دینی جلوه‌گر است هرگز دوستی خوب و ایده‌آل نیست. معاشرت با چنین کسی انسان را به یاد خدا نمی‌اندازد. پس اگر می‌خواهیم رفیقی انتخاب کنیم، بهتر است بر اساس این معیارها باشد؛ یعنی کسی



را دوست انتخاب کنیم که ما را به اهداف الهی نزدیک کند تا راه خدا و صراط مستقیم را طی کنیم، به بیراهه نرویم و انحطاط پیدا نکنیم. یقین بدانیم که دوست خوب از الطاف خداوند است و باید قدرش را دانست و در حفظ او کوشید (پناهی، ۱۳۹۰).

افزون بر آنچه گفته شد، آموزه‌های دینی معیارهای بسیاری برای دوست شایسته و ناشایست، ذکر کرده است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

#### ۴-۱- معنویت و دین‌داری

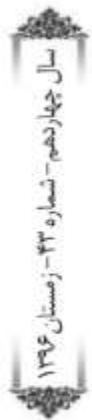
از دیدگاه اسلام «رفیق خوب» نه فقط در دنیا که در آخرت نیز همراه آدمی است؛ بدین بیان که چنین فردی بی‌گمان موجب شرافت، سعادت و عزت در دنیا و آخرت خواهد بود. پیامبر ﷺ خدا می‌فرماید: «دقت کنید با چه کسی هم‌نشین هستید؛ زیرا هیچ‌کس نیست که مرگش فرا رسد مگر آنکه دوستانش در نزد خدا در برابر آن شخص مجسم می‌شوند. اگر از افراد خوب و نیک باشند، خوبان در برابر او ظاهر می‌گردند و اگر از افراد بد و ناشایست باشند، آنان در برابرش آشکار می‌گردند» (کلینی، ۱۳۸۳: ۲/۶۳۸). امیر مؤمنان ﷺ نیز می‌فرماید: «رفیق فقط به این دلیل رفیق نامیده می‌شود که تو را بر آنچه صلاح دینت است کمک و یاری می‌کند. هر کس که این‌گونه باشد رفیق دلسوز و واقعی است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۲۴). در قرآن کریم نیز به تداوم دوستی در آخرت و نقش دوست دین‌دار و پارسا اشاره شده است:

«الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ» (زخرف، ۶۷) «دوستان در آن روز قیامت، دشمن یکدیگر هستند، مگر افراد پرهیزگار».

#### ۴-۲- دانایی و خردمندی

بی‌تردید رفاقت با افراد دانا آثار مفیدی در زندگی فرد بر جای می‌نهد که یکی از آن‌ها افزوده شدن بر آگاهی و دانش فرد است. امیر مؤمنان ﷺ می‌فرماید: «نشستن با دانایان سبب زنده شدن عقل و بهبود بیماری‌های روحی دوست می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۳۰).

آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «التَّوَدُّ نَصْفُ الْعَقْلِ: مهرورزی نیمی از خرد است»



(نهج البلاغه، حکمت ۱۴۲). اگر کسی هنر مهرورزی و دوستی نداشته باشد از سرچشمه سرشاری که می‌تواند او را در صحنه‌های مختلف زندگی یاری رساند محروم می‌شود و این نوعی بی‌خردی و نادانی است.

مرد را هر چند تنهایی کند کامل عیار صحبت یاران یک‌دل کیمیایی دیگر است  
(صائب تبریزی)

امیر مؤمنان علیه السلام در کلامی دیگر در همین باره می‌فرماید: «هم‌نشینی با خردمندان و افراد دین‌دار بر تو لازم است؛ زیرا آنان بهترین دوستان و یاران هستند» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۲۹). رفیق عاقل می‌تواند گشاینده مشکلات اجتماعی آدمی باشد و حتی او را از سقوط برهاند. از همین رو، هم‌نشینی با عاقل در واقع نوعی بهره‌مندی از عقل او است. در همین راستا آن حضرت علیه السلام می‌فرماید: «هم‌نشینی با دوست عاقل، روح را زنده می‌کند» (همان). این ویژگی به قدری ارزشمند است که اگر به فرض، کسی با داشتن عقل، پاره‌ای از ویژگی‌های اخلاقی دیگر را نداشته باشد رفاقت با وی مجاز شمرده شده است. همچنان که آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید: «به دشمن عاقل خودت بیشتر از دوست نادانت اعتماد کن» (همان: ۴۲۵).

#### ۴-۳- وفای به عهد

وفاداری، یکی از حقوق برجسته در آیین دوستی است که بدون آن دوستی‌ها دوام و قوام نخواهند داشت. منظور از وفاداری ثبات در محبت و ارادت است. دوست باید اهل وفا و تعهد باشد و به قول و قرار خویش سخت پایبند باشد. روشن است رفاقت با کسی که متعهد نیست، رفاقتی سست و ناپایدار است و از این افراد باید دوری نمود (همان: ۴۳۰). امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «بر دوستی کسی اعتماد مکن که به عهدش وفادار نیست» (همان: ۴۲۲).

#### ۴-۴- ایمان و تدبیر

دوست خوب باید در همه امور، خدا و رضایت خدا را مدنظر داشته باشد. خداوند در آیه



یکم از سوره ممتحنه در این باره می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید. شما به آنان اظهار محبت می‌کنید؛ درحالی که آن‌ها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده‌اند». رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ اعَانَكَ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ صَدَكَ عَنْ مَعْصِيَةِ وَ أَمْرِكَ بِرِضَاهُ» «بهترین برادرانت کسی است که تو را به پیروی از خدا یاری کند، از نافرمانی او بازدارد و به خشنود ساختن او فرمان دهد».

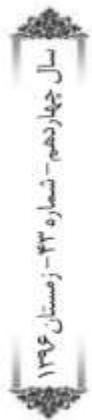
از سوی دیگر، خرد و عقل نیز از الطاف و عنایات حضرت حق بر بندگان است که «حجت باطنی» معرفی شده است. اگر کارها طبق عقل و تعقل صورت گیرد، می‌توان به نتیجه و آینده آن‌ها امیدوار بود. افرادی که با شخص عاقل و باتدبیر هم‌نشین و دوست می‌شوند، از کمالات وی بهره می‌برند، عقلشان به شکوفایی می‌رسد و کارهای زندگی خود را با موفقیت به پایان می‌برند. حضرت علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «هم‌نشینی با افراد عاقل و صاحب اندیشه سالم، باعث صلاح و درستی کارها می‌شود» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۲: ۱۵ / ۳۰۱).

#### ۴-۵- صداقت و راست‌گویی

صداقت و راست‌گویی از صفات پسندیده انسانی است. در قرآن کریم کسانی که اهل دروغ هستند دشمنان خدا معرفی شده‌اند. چون این‌ها برخلاف فطرت انسانی - که دعوت به پاکی و صداقت می‌کند - رفتار می‌نمایند و از این طریق باعث ناامنی اجتماعی و بی‌اعتمادی در میان انسان‌ها می‌شوند؛ زیرا وقتی افراد دروغ‌گو در جامعه وجود داشته باشند مردم به همدیگر اعتماد نمی‌کنند و اعتماد اجتماعی از بین می‌رود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه، ۱۱۹) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید و با صادقان باشید».

#### ۴-۶- رفع نیازمندی‌های دیگران

در میان روابط اجتماعی، دوست و رفیق شایسته، جایگاهی ویژه دارد. دوستی که در مشکلات و هنگام نیاز، به فریاد دیگران می‌رسد دوست واقعی است، زیرا بسیاری از افراد، در مواقع





راحتی و وفور نعمت و امکانات، ادعای دوستی دارند و در مواقع احتیاج و ضرورت، توجهی به مشکلات رفیق خود ندارند و او را تنها می‌گذارند. امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «لا یكون الصدیق صدیقاً حتی یحفظ أخاه فی ثلاث: فی نكبتة و غیبتة و وفاته» (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۴: ۶۵۶) «دوست حقیقی کسی است که در سه زمان انسان را فراموش نکند: هنگام گرفتاری، در وقت نبود انسان و پس از وفات او».

#### ۴-۷- خیر خواهی و انصاف

پرهیز از امتیاز طلبی برای خود و حق کشی و دیگران را با خود برابر دانستن در برخورداری از حقوق و مزایا و مراعات شئون، به معنای انصاف داشتن در رفتار است. رفتار منصفانه با دیگران، هم مایه آرامش وجدان انسان می‌شود و هم برای شخص محبوبیت می‌آورد و سبب افزایش دوستان می‌شود، زیرا «انصاف» نوعی کردن نهادن به حق، قانع بودن به حق خود و پرهیز از افزون طلبی یا تعدی به حریم دیگران است و چنین خصلتی نزد همگان پسندیده است. حضرت علی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «بِالنَّصْفَةِ یَکْثُرُ الْمُوَاصِلُونَ» «به سبب انصاف، بر تعداد دوستان افزوده می‌شود» (نهج البلاغه، حکمت ۲۲).

طبع هر انسان طوری است که به افراد هم‌فکر و هم‌عقیده خود و کسانی که دیدگاه و نظرش را در مسائل مختلف زندگی بپذیرند و تأیید کنند علاقه نشان می‌دهد و از آن‌ها بیشتر خوشش می‌آید. افراد خردمند و تیزبین که با توجه به معیار خیرخواهی و انصاف، دوستان خود را برمی‌گزینند، در صدد اصلاح و رشد و تعالی خویش‌اند، انتقاد سازنده را بر تعریف و تمجیدهای نابجا و چاپلوسانه ترجیح می‌دهند و با آغوشی باز به استقبال امر ونهی و تذکرات سازنده دوستان خود می‌روند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرمایند:

«خَیْرُ اِخْوَانِكُمْ مَنْ اَهْدَى اِلَیْكُمْ عِیُوبَكُمْ» (محمدری شهری، ۱۳۶۲: ۵۷/۱): «بهترین دوست شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند». همچنان که کلام وحی نیز در این باره چنین است: «یا اَیُّهَا الَّذِیْنَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا یَأْلُونُكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ...»



(آل عمران، ۱۱۸) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیرخودتان، [دوست و] همراز مگیرید. [آنان] از هیچ ناکاری در حق شما کوتاهی نمی‌ورزند. آرزو دارند که در رنج بیفتید...».

#### ۴-۸- خوش اخلاقی و خوش رویی در رفتار

یکی از دستوره‌های دین مبین اسلام، خوش اخلاقی با دیگران است که جایگاهی بسیار والا دارد. خوش اخلاقی، هم دوستی‌ها را پایدار می‌سازد و هم در جذب دیگران به سمت خود، تأثیری فوق‌العاده دارد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت، ۳۴) «و نیکی با بدی یکسان نیست. [بدی را] به آنچه خود بهتر است دفع کن؛ آن‌گاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یک‌دل می‌گردد».

«رفتار محبت‌آمیز» یکی از رموز دوست‌یابی است و حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «البشاشة حبالة المودة» «خوش‌رویی دام دوستی است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۶). بدون شک افرادی که چهره‌ای گشاده و با تبسم دارند بیشتر از کسانی که عبوس و اخمو هستند مورد توجه دیگران واقع می‌شوند. حتی کسانی که از انسان گریزان‌اند با اظهار محبت و خوش‌رویی به‌سوی وی کشیده می‌شوند.

خلق و خوهای نیک، مثل وفاداری، امانت‌داری، صداقت، گذشت و باتقوایی، به‌طور ناخودآگاه و ناهوشیارانه به انسان منتقل می‌شود و آدمی هرگاه در جمع افراد نیکوکار به سربرد، به‌تدریج نیکوکار خواهد شد. حضرت علی علیه السلام در همین باره می‌فرماید: «قَارِنِ أَهْلَ الْخَيْرِ تَكُنْ مِنْهُمْ وَ بَإِنَّ أَهْلَ الشَّرِّ تَبِنَ عَنْهُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳/ق: ۱۸۸/۷۱) «به نیکوکاران نزدیک شو تا از آنان شوی و از بدکاران دوری‌گزین تا از صف آنان خارج گردی».

در مقابل، تحمل نکردن دیگران و تندخو بودن، باعث می‌شود آنان از اطراف انسان پراکنده شوند؛ حتی اگر انسان بهترین مخلوقات و پیامبر باشد؛ چنانکه قرآن کریم نیز اشاره دارد:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران، ۱۵۹)

«به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان (مردم) نرم (و مهربان) شدی و اگر خشن و سنگدل بودی از اطرافت پراکنده می‌شدند».

## ۴-۹- شرافت و اصالت خانوادگی

افراد بزرگوار و دارای خانواده محترم و اصیل، معمولاً دارای صفات ارزشمند و کمالاتی والا هستند و هم‌نشینی با آنان موجب احترام اجتماعی و کسب ارزش‌های اخلاقی و دینی می‌گردد و انسان را به‌طرف زندگی آبرومندانه و بانزاکت رهنمون می‌شود. پیامبر گرامی حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «أَسْعَدُ النَّاسَ مَنْ خَالَطَ كَرَامَ النَّاسِ» (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲: ۳۰۲/۵): «خوش‌بخت‌ترین مردم کسی است که با افراد بزرگوار و با نجابت هم‌نشین و دوست شود».

## ۴-۱۰- برخورداری از روح اجتماعی

حساسیت درباره مشکلات و نیازها و نابسامانی‌های اجتماعی، یکی از صفات برجسته و پسندیده اهل ایمان است. افرادی که بر اساس ایمان به مبدأ و معاد و سایر مقدسات، پیمان دوستی بسته‌اند، خود را جدای از دیگران نمی‌دانند و همواره به فکر هم‌نوعان و دوستان خود هستند. خاصیت موجود زنده، این است که بین اعضا و اجزایش همکاری، همدردی و هم‌آهنگی وجود دارد؛ و آن جماد و مرده است که از خراب شدن یک جزء اثری در سایر اجزایش دیده نمی‌شود. جامعه نیز حیات و ممت دارد. روح اجتماعی نیز حقیقتی است از حقایق این جهان. اگر روح اجتماعی وجود داشته باشد و جامعه زنده و جاندار باشد، بدون شک همدردی و همکاری در آن جامعه وجود دارد. دیگر در آن جامعه به یکدیگر جنس قلبی عرضه نمی‌کنند، کم‌فروشی نمی‌کنند، انصاف و عدالت را رعایت می‌نمایند و در خوشی و ناخوشی دیگران شریک هستند (مطهری، ۱۳۷۸: ۲۳۰ - ۲۲۹).

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «لَا خَيْرَ فِي صُحْبِهِ مَنْ لَمْ يَرَ لَكَ مِثْلَ الَّذِي يَسِرُ لِنَفْسِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵۱/۷۸): هیچ ارزش و بهایی ندارد رفاقت و دوستی با کسی که آنچه برای خود می‌خواهد برای تو نخواهد».



### ۵- حد دوستی

دوست و هم‌نشین خوب باعث پیشرفت و ترقی در زندگی مادی و معنوی انسان می‌شود و او را به اوج قلّه سعادت هدایت می‌کند. معاشرت‌ها، همان‌گونه که عامل مصونیت اخلاقی است و اثر سازنده بر انسان دارد، در مواردی نیز عامل فساد و انحراف و تباه شدن زندگی فرد می‌گردد. اعتدال در هر چیزی خوب است حتی در دوستی و مهرورزی. افراط در دوستی و دشمنی مایه پشیمانی خواهد شد. گاهی دو دوست آن‌قدر صمیمی می‌شوند و از خصوصیات اخلاقی و زندگی شخصی و اسرار یکدیگر باخبر می‌شوند که اگر روزی دوستی میان آنان بر هم بخورد، زیان‌هایی جبران‌ناپذیر متوجه آنان می‌شود؛ یا آن‌قدر به‌صورت افراطی دلباخته یکدیگر می‌شوند که اگر روزی روابط میان آنان سرد شود یا فاصله و جدایی میان آن دو پیش آید در شرایط بحران روحی قرار می‌گیرند. حضرت علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «دوستت را به‌اندازه دوست بدار؛ شاید روزی دشمنت شود و دشمنت را به‌اندازه دشمن بدار شاید روزی دوستت گردد» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۶۸).

امام جعفر صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «وَشْتَةُ دُوسْتِي وَ رِفَاقَتُ فِقْطُ بَا رِعَايَتِ حُدُودِ وَ شَرَايِطِ اَنْ اسْتِحْكَامِ مِي يَابِدُ وَ كَسِي كَه اَيْنِ حُدُودِ يَا بَخْشِي اِز اَنْ رَا رِعَايَتِ كَنْد، اَوْ رَا دُوسْتِ بَدَانِ وَ كَسِي كَه هِيچِ يَكِ اِز اَيْنِ شَرَايِطِ دَر اَوْ نَبَاشِد، شَايِسْتَةُ دُوسْتِي نِيَسْت. نَخْسْتِيْنِ شَرْطِ اَنْ اسْتِ كَه ظَاهَرِ وَ بَاطِنِشِ بَا تُو يَكِي بَاشِد. دُومِ اَيْنِكِه زَيْنْتِ وَ اَبْرُويِ تُو رَا زَيْنْتِ وَ اَبْرُويِ خُوِيْشِ بَدَانْدِ وَ عِيْبِ وَ زَشْتِيِ تُو رَا عِيْبِ وَ زَشْتِيِ خُوِيْشِ بَدَانْد. سُوْمِ اَيْنِكِه مَالِ وَ مَقَامِ، مَوْضِعِ اَوْ رَا دَر بَارَةُ تُو تَغْيِيْر نَدِهْد. چَهَارْمِ اَيْنِكِه هَر اَنْچِه دَر تُوَانِ دَارْدِ اِز تُو مَضَايِقِه نَكَنْدِ وَ پَنْجَمِ اَيْنِكِه تُو رَا دَر سَخْتِيِ هَا وَ مَصَائِبِ زَنْدِگِيِ رَهَا نَكَنْد» (کلینی، ۱۳۸۳: ۲/۴۶۷).

### ۶- ممنوعیت‌ها و خط قرمزهای دوستی (دوستان ناشایست)

گرچه وجود دوست و دوستی یکی از عوامل ترقی و صعود انسان به مراتب عالی کمالات و ارزش‌هاست، همان‌گونه که در بحث‌های گذشته بیان شد، دوست خوب دارای شرایط و صفاتی است که اگر آن شرایط و صفات وجود نداشت، دوستی و داشتن دوست نه‌تنها لازم

نیست بلکه ممنوع خواهد شد، زیرا بعضی از دوستی‌ها نه فقط باعث ترقی و کمال انسان نمی‌شود، عاملی برای هدر رفتن نیروها و استعداد‌های جوانی می‌شود و انسان را به سمت هلاکت و نابودی سوق می‌دهد. قرآن کریم درباره عواقب دوستی با ناهالان از زبان اهل جهنم چنین نقل می‌کند: «قیامت روزی است که انسان ظالم و گناهکار انگشت حسرت به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش با پیامبر دوست و همراه می‌شدم! وای بر من! کاش فلان شخص گمراه را به دوستی نمی‌گرفتم! او مرا از یاد و راه حق منحرف و گمراه کرد و مرا به خذلان و خواری کشاند» (فرقان، ۲۷ - ۲۹).

امام صادق علیه السلام نیز درباره دوستی با ناهالان و گمراهان می‌فرماید: «مَنْ يَصْحَبُ صَاحِبَ السُّوءِ لَا يَسْلِمُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۸/۲۷۸) «کسی که با رفیق بد و گمراه هم‌نشین شود سالم نمی‌ماند». همچنان که امام علی علیه السلام در ضمن روایتی پرمحتوا و نغز به نکته‌ای ارزشمند درباره هم‌نشینی با اهل شرارت و گناه اشاره کرده است: «لَا تَصْحَبِ الشَّرِيرَ، فَإِنَّ طَبْعَكَ يَسْرَقُ مِنْ طَبْعِهِ شَرًّا وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۲۰/۲۷۲) «با انسان شرور و فاسد رفاقت مکن، زیرا شخصیت و طبع تو از شرارت‌های او الگوگیری می‌کند، بدون آنکه خودت بفهمی».

باید دانست که انسان، در تعاملات اجتماعی و ارتباطات دوستانه، به‌طور غیرارادی تحت تأثیر عوامل محیطی قرار می‌گیرد و صفاتی به‌طور غیرارادی در وجودش ایجاد و در رفتارهایش ظاهر می‌شود. از این رو، در دستورات دینی، دوری از محیط‌های آلوده و افراد فاسد، توصیه‌ای اکید است. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روایت مزبور، به این مسئله اشاره فرموده است که بعضی از صفات رذیله و زشت به‌طور ناهشیارانه از رفیق بد به انسان منتقل می‌شود. در ادامه مواردی از دوستی‌های ممنوع و انحرافی بیان می‌شود:

### ۱-۶- دوستی با احمق

احمق کسی است که کارهایش عاقلانه نیست، حرف‌های سفیهانه می‌زند و درک و شعور ندارد؛ بنابراین دوستی با افراد نادان و سبک‌سر، به دلیل تأثیرپذیری انسان از اخلاق و رفتار او، به صلاح انسان نیست و کاری نادرست است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «از



هم‌نشینی با احمق پرهیز؛ زیرا زمانی که تو به او بسیار نزدیکی، بدی و آسیب او به تو بسیار نزدیک است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۹۲/۷۱). همان‌گونه که امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرمایند: «از دوستی با احمق و نادان پرهیز؛ زیرا او می‌خواهد به تو سود برساند، اما (به سبب حماقتش) به تو زیان می‌رساند» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۸).

در ادبیات فارسی ماجرای «دوستی خاله خرسه» مصداقی روشن بر همین‌گونه ضرر زدن‌ها از طرف دوست احمق است:

دوستی با مردم دانا، نکوست      دشمن دانا، به از نادان دوست  
دشمن دانا بلندت می‌کند      بر زمینت می‌زند نادان دوست

### ۶-۲- دوستی با دروغ‌گو

کذاب کسی است که دروغ عادتش شده است و غیرواقع را واقع جلوه می‌دهد. کسی که از دیگران نزد شما دروغ می‌گوید از شما هم نزد دیگران دروغ خواهد گفت. به دروغ‌گو نمی‌توان اعتماد کرد، زیرا نه گفتارش مایه و اساس دارد و نه رفتارش.

بنای دوستی و رفاقت، بر اعتماد متقابل و صداقت است و اگر یکی از طرفین از راست‌گویی و اعتماد برخوردار نباشد، این دوستی ارزش و دوامی نخواهد داشت و جز خسران چیزی به انسان نمی‌رساند. کسی که باطل را حق جلوه می‌دهد و حق را باطل می‌نمایاند، به هیچ اصولی پایبند نیست و انسان نمی‌تواند به او تکیه کند. امام سجادی (ع) دربارهٔ مصاحبت و رفاقت نکردن با دروغ‌گو به فرزندش امام محمدباقر (ع) می‌فرماید: «با دروغ‌گو رفاقت نکن، زیرا دروغ‌گو مانند سراب است و تو را فریب می‌دهد؛ دور را نزدیک و نزدیک را دور معرفی می‌کند» (کلینی، ۱۳۸۸: ۲/۳۷۶).

### ۶-۳- دوستی با فاسق و بدکار

فرد فاسق پیمان‌شکن است و قولی که می‌دهد اعتبار ندارد. «فاسق گفتار و کردارش ناسازگار است و حرف زدن و عمل نکردن، از خصوصیات فرد فاسق است» (ایزوتسو، ۱۳۶۰: ۱۹۸).



رفاقت با افراد پست و فاسد، به دلیل آنکه از یک سو انسان را از افراد بزرگواری و مؤمن دور می‌سازد و از سوی دیگر رفتارهای ناپسندش به انسان سرایت می‌کند، مذمت شده و در دستورات اخلاقی و تربیتی اسلام نهی شده است.

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «از هم‌نشینی با فرد پست و فاسد پرهیز کن، زیرا تو را هم به خودش و کارهای زشتش ملحق می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۱/۱۹۹). آنان که اهل معصیت و خلاف‌اند دیگران را هم به گناه می‌کشانند تا شریک جرم و همراه داشته باشند. همان‌طور که از مبتلایان به بیماری‌های واگیردار پرهیز داریم، باید از دوستی با اهل گناه و خلاف پرهیزیم، چون آلودگی آنان، دامن ما را هم می‌گیرد و بدنامی به بار می‌آورد. امام صادق علیه السلام در بیانی دیگر فرموده است: «از دوستی با فاجر و گناهکار پرهیز؛ چون تو را به بهای اندک می‌فروشد» (همان: ۷۲/۹۹).

منشین با بدان که صحبت بد، گرچه پاکی، تو را پلید کند

آفتاب به این بزرگی را پاره‌ای ابر ناپدید کند (سنایی)

#### ۶-۴- دوستی با چاپلوس

متملق و چاپلوس کسی است که با انگیزه ترس یا طمع، بر خلاف عقیده باطنی خود، لب به تمجید و تحسین این و آن می‌گشاید و با مدح و ثناگویی نابجا و افراطی، شخصیت معنوی و ارزش انسانی خویش را ضایع می‌سازد. افراد متملق، برای اینکه از شدت رسوایی و زشتی کار خود بکاهند، می‌کوشند عمل نادرست خود را درست و منطقی جلوه دهند و اصرار دارند دیگران را در این روش هم‌رنگ و هم‌عقیده کنند.

حضرت علی علیه السلام در همین باره می‌فرماید: «با چاپلوس رفاقت و دوستی مکن، زیرا با چرب‌زبانی تو را اغفال می‌کند و کارهای زشت خود را در نظرت زیبا جلوه می‌دهد و دوست دارد که تو نیز مانند وی باشی» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۲۸).



### ۶-۵- دوستی با خانن و ستمگر

خیانت به هر شیوه و در هر شکلی، امری حرام و غیرانسانی و خلاف اخلاق اسلامی است. افرادی که در مسائل اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و دوستی‌ها اهل خدعه و خیانت باشند، افرادی پست و گناهکارند و در شرع مقدس اسلام مذمت شده‌اند. در دستورات تربیتی و اخلاقی اسلام، از دوستی و رفاقت با چنین کسانی نهی شده است. فلسفه این دستور، آن است که افراد خائن اعتمادپذیر نیستند و حریم آبروی دوست را رعایت نمی‌کنند؛ در موقع مناسب، به ناموس، اموال، آبرو و جایگاه اجتماعی دوست خود خیانت می‌کنند و نه ترسی از خدا دارند، نه از بنده خدا و نه از مذمت اجتماعی.

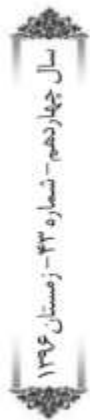
امام باقر علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «با چهار گروه رفاقت نکن: احمق، بخیل، ترسو و دروغ‌گو. احمق و بی‌عقل می‌خواهد به تو سود برساند، اما صدمه می‌زند. بخیل و تنگ‌نظر از تو می‌ستاند، اما به تو چیزی نمی‌دهد. ترسو به هنگام نیاز، نه فقط تو را، پدر و مادر خود را نیز تنها می‌گذارد. دروغ‌گو تو را به اشتباه و خطا می‌اندازد؛ چون اگرچه گاهی راست می‌گوید، اعتمادپذیر نیست» (ابن بابویه، ۱۳۴۸: ۲۴۴).

### ۶-۶- دوستی با افراد حيله‌گر

دوست باید مورد اعتماد باشد و اهل مکر و ریا نباشد؛ وگرنه نمی‌توان به او دل بست و مطمئن شد. امام صادق علیه السلام در روایتی، پس از ترسیم سیمای دوستان ظاهری، می‌فرماید: «کسانی که در ظاهر، به صورت دوست می‌بینی، اگر آزمایششان کنی خواهی دید که چند دسته‌اند: بعضی مانند شیران فقط اهل حمله و خوردن هستند؛ بعضی مانند گرگ، ضررزن و آسیب‌رسانند؛ گروهی مانند سگان، چاپلوس و متملق‌اند؛ دسته چهارم نیز مانند روباه، حيله‌گر و دزدند که ظاهرشان مختلف اما مقصدشان یکی است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۷۹/۷۱).

### ۷- بسترهای شناخت و ارزیابی دوستان واقعی

مهم‌ترین مواقع و بسترهای شناخت و سنجش دوستان صالح از دوستان دروغین را می‌توان بدین‌گونه تبیین نمود:





### ۷-۱- در هنگام گرفتاری و نیاز

بهترین زمان ارزیابی دوست خوب هنگام مشکلات و گرفتاری‌هاست. در این چنین مواقعی دوستان حقیقی، وفادار و دلسوز از افراد دوست‌نما مشخص می‌شوند. امام علی علیه السلام در حکمت ۲۰۸ نهج البلاغه می‌فرماید: «در کشاکش روزگار افراد باارزش و دوستان خوب شناخته می‌شوند».

### ۷-۲- در هنگام خشم و ناراحتی

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «اگر کسی سه مرتبه بر تو خشم گرفت، یعنی تو موجبات عصبانیت و ناراحتی او را فراهم کردی و او خشمگین شد، اما سخن زشتی نگفت، شایسته رفاقت است» (ابن بابویه، ۱۳۴۸: ۵۳۲).

### ۷-۳- از دست رفتن قدرت

برخی از افراد، به نام دوستی و به طمع مال و مقام شخص، گرد او را می‌گیرند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «در هنگام از دست رفتن قدرت، دوست از دشمن شناخته می‌شود» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۲).

### ۷-۴- هنگام سفر

یکی از بهترین راه‌های شناخت افراد، سفر کردن با آنهاست. در سفر بسیاری از رفتارهای ناپیدای انسان آشکار می‌شود. فراز و نشیب‌های سفر واکنش‌های درست یا نادرست انسان را در برابر مشکلات نمایان می‌کند. ارتباط شبانه‌روزی که در سفر ایجاد می‌شود بهترین زمان برای شناخت اخلاق و روحیات دوست است. امام صادق علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «هیچ کس را به دوستی شناس مگر آنکه در سه چیز او را بیازمایی: او را به خشم آوری و ببینی که آیا این خشم او را از حق به باطل می‌کشاند؛ در درهم و دینار و در سفر با او؛ دوست خوب و واقعی با ادعا و شعار شناخته نمی‌شود؛ بلکه جوهره اشخاص در فراز و نشیب‌های زندگی بروز می‌یابد».



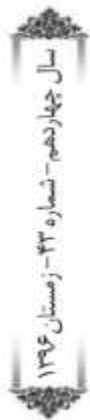
امام علی علیه السلام نیز بارزترین شاخصه‌های دوست خوب را در سه قسمت بیان می‌کند: «در مصیبت و گرفتاری، در غیاب او و پس از مرگش». انسان در سه جا محتاج یاری است: اول در مصیبت و گرفتاری که از دست خودش کاری بر نمی‌آید؛ دوم جایی که او حضور ندارد و پشت سر او حرف می‌زنند و طبیعتاً کاری از او ساخته نیست؛ سوم بعد از مرگش که دستش از این دنیا کوتاه و به نیکی دنیوی محتاج است. اگر کسی در این سه موضع به یاری انسان بشتابد، به فرموده حضرت، دوست واقعی است.

دوست مشمار آن که در نعمت زند لاف یاری و برادرخواندگی  
دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان‌حالی و درماندگی (سعدی)

#### ۸- بحث و نتیجه‌گیری

انسان موجودی اجتماعی است و بسیاری از استعدادها و توانمندی‌های او در تعامل و کنش اجتماعی شکوفا و عیان می‌شود. اجتماع به‌مثابه یکی از ارکان مهم جریان جامعه‌پذیری، نقشی مؤثر در فرهنگ‌پذیری اجتماعی انسان ایفا می‌کند.

کنش اجتماعی و چگونگی تعامل فرد با افراد اجتماع، در سرنوشت و جایگاه انسان‌ها نقشی مهم دارد. در جهان‌بینی اسلامی هدف نهایی از خلقت انسان رسیدن به قرب الهی است. از این رو تعامل اجتماعی افراد زمانی سودمند خواهد بود که انسان را در این جهت سوق دهد. اسلام که جامع‌ترین دین الهی است، دستورالعمل و قاعده‌ای خاص برای بیان تعامل اجتماعی مطلوب و شناخت دوست و هم‌نشین مطلوب عرضه می‌کند. قرآن و احادیث بر اهمیت دوست و هم‌نشین تأکید کرده‌اند و معیارهای دوستان شایسته شامل دین‌داری و معنویت، دانایی و خرد، وفاداری و ... را بیان نموده و حدود و شرایط دوستی و دامنه ارتباط اجتماعی افراد را مشخص و معین کرده‌اند. اهمیت نقش و تأثیر دوست و هم‌نشین در اخلاق دیگران، به‌گونه‌ای است که اسلام معیارهای شناخت دوستان مفید و سازنده را بیان کرده است، معیارهایی همچون صداقت، خیرخواهی، اصالت خانوادگی و ... در عین حال، ملاک‌های دوستان بد از جمله فاسق بودن، احمق بودن و ... را برشمرده و انسان‌ها را از تعامل با چنین افرادی منع کرده است.



منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۴۸). الخصال، تهران: مکتبه الصدوق.
- امینی، ابراهیم (۱۳۸۱). تربیت، قم: بوستان کتاب.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۰). مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن، ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای، تهران: قلم.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۶). نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش، چاپ سوم.
- پناهی، علی احمد (۱۳۹۰). «دوستی از منظر دینی»، ماهنامه معرفت، شماره ۹۷، ویژه‌نامه روان‌شناسی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- شریفی، محمدرضا (۱۳۶۴). مراحل رشد و تحول انسان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۷۹). المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، ترجمه محمدرضا عارف، مشهد: استان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۳). کافی، ترجمه صادق حسن‌زاده، قم: صلوات.
- کاشفی، محمدرضا (۱۳۷۶). آیین مهرورزی، قم: اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). بحارالانوار، ۱۱۱ جلدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۲). میزان الحکمه، ۱۵ جلدی، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.

